

پژوهشنامه ادب حماسی، سال هفدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۵۹-۷۸

بررسی تحولات ضد قهرمان در حماسه‌های ملی، دینی و تاریخی با تحلیل شش منظومه حماسی

گلاویژ جلالی*

دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسؤول)

علی‌رضا مظفری**

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۱

چکیده

متون حماسی جزو جدانشدنی ادبیات فارسی هستند که شاه‌کار اصلی آن شاهنامه فردوسی است. بعد از شاهنامه، حماسه‌سرایی رواج پیدا کرد و به تقلید از آن در دوره‌های مختلف، انواع حماسه‌های دینی و تاریخی سروده شد؛ اما در سرایش آن‌ها، تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در کشور ایجاد شد، تأثیر گذاشت و به تناسب تحولات، موضوع، جای‌گاه، ویژگی‌ها و اهداف شخصیت‌های حماسی نیز تغییر کرد. در این پژوهش با هدف تأملی بر تحولات ضد قهرمان و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن در حماسه‌های ملی، دینی و تاریخی، منظومه‌های حماسی بانوگشسب‌نامه و فرامرزن‌نامه از حماسه ملی، علی‌نامه و خاوران‌نامه از حماسه دینی و تمرنامه، جنگ‌نامه کشم و جرون‌نامه از حماسه تاریخی به روش کتابخانه‌ای و بر مبنای نگارش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد حماسه‌های دینی و تاریخی نیز بر بنیاد حماسه ملی استوار شده؛ اما در تقابل بنیادین خیر و شر، هم‌سو با مضمون و هدف قهرمان داستان، دچار دگرگونی شده است. وجه مشترک هر سه نوع حماسه، وجود ضد قهرمان انسانی جدال‌گر با صفات بدنزادی، اهریمنی و تنومندی است؛ اما این ضد قهرمان در حماسه دینی و تاریخی با انگیزه قهرمان و روایت تاریخی در اهداف جدال، کنش و صفات ضد قهرمان و سرانجام ضد قهرمان متغیر گشته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخی، تحول، حماسه، دینی، ضد قهرمان، ملی.

* galavijh.jalali@yahoo.com

** a.mozaffari@urmia.ac.ir

مقدمه

حماسه در اصل صورت تحوّل یافتهٔ اساطیر است؛ هر چند «اسطوره همواره و حتماً به حماسه تبدیل نمی‌شود» (سرکراتی، ۱۳۷۱: ۸۷). اما در تبدیل حماسه حتماً انگاره‌های اساطیری وارد می‌شود که متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و دینی یک ملت نوشته می‌شوند. اسطوره متعلق به دوران کهن است؛ اما حماسه امتدادی از اسطوره است که در تاریخ مانده است. در تبدیل تدریجی اسطوره به حماسه از جلوه‌های شگفت و وهمناک کاسته شده و در پرداخت نوین حماسی، چیزها و کسان جنبهٔ منطقی و مردمانه و این جهانی به خود گرفته‌اند (سرکراتی، ۱۳۵۷: ۱-۲). ادبیات ایران از نظر داستان‌های حماسی کم نظیر است که در هر دوره نیز به تأثیر از تحولات سیاسی، اجتماعی، تاریخی و دینی تغییر یافته که نمونهٔ آن، رشد حماسه‌های دینی و تاریخی در سایهٔ حماسه‌های ملی است. وجه مشترک تمامی آن‌ها، تقابل خیر و شر است که بن‌مایهٔ اصلی اسطوره است. بر بنیاد این بن‌مایه، همیشه قهرمانی است که در مقابل ضدّ قهرمان می‌ایستد و برای حفظ سرزمین، ناموس، دین، عشق و ... می‌جنگد. قهرمان‌پروری و مقابله با نیروی ضدّ قهرمان به ویژه در حماسه‌های ملی و دینی، پیوند واقعیت یک ملت با اسطوره و حماسه است. به گفتهٔ صفا «در منظومهٔ حماسی، شاعر عواطف شخصی خویش را در اصل داستان وارد نمی‌کند» (صفا، ۱۳۳۳: ۴). می‌توان گفت آن‌چه از قهرمان و ضدّ قهرمان انواع حماسه می‌بینیم، باز یافتی از جامعه و فرهنگ آن ملت است. «شعر حماسی به این دلیل از جالب‌ترین و ارزشمندترین انواع سخن منظوم به حساب می‌آید که به منزلهٔ آینه‌ای است که تصویر بزرگی‌ها، منش‌های نیک، سنت‌ها و پایبندی‌های اخلاقی آن ملت را در آن‌ها می‌توان مشاهده کرد» (رزم‌جو، ۱۳۸۱: ۱/۲۴). اما در حماسه‌های دینی و تاریخی به تقلید از حماسهٔ ملی، قهرمان و ضدّ قهرمان با انگیزه‌های دینی و حکومتی باز تعریف شده‌است که گاه در نقطه مقابل حماسهٔ ملی قرار می‌گیرد.

در این پژوهش با تأکید بر ضرورت بررسی این تحولات، شش منظومهٔ حماسی ملی، دینی و تاریخی، تحولات ضدّ قهرمان از منظر انواع ضدّ قهرمان، کنش، ویژگی‌ها، صفات و فرجام بررسی شده است. سؤالات تحقیق، موارد زیر است:

- ۱- آیا حماسهٔ دینی و تاریخی بر بنیاد حماسهٔ ملی سروده شده است؟
- ۲- در شخصیت‌پردازی ضدّ قهرمان، چه تفاوتی میان حماسه‌های ملی، دینی و تاریخی وجود دارد؟
- ۳- تحولات ضدّ قهرمان در صفات، ویژگی، اهداف جدال و فرجام آن‌ها در حماسهٔ ملی، دینی و تاریخی چگونه است؟



روش تحقیق: این مقاله به روش کتاب‌خانه‌ای انجام شده است، بدین ترتیب که با تکیه بر مؤلفه‌های اصلی تحقیق، نکات مربوطه از جامعه آماری، فیش برداری و سپس با تحلیل فیش‌ها بر مبنای هدف تحقیق، مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی نوشته شده است.

پیشینه تحقیق: در ارتباط با داستان‌های حماسی، کتاب مشخصی در این زمینه چاپ نشده است؛ اما در حوزه مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی، پیشینه وجود دارد.

یوسفی و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله «ضد قهرمان در شاهنامه و منظومه‌های پهلوانی ایران» به بررسی ضد قهرمانان در حماسه‌های ملی پرداخته‌اند. حماسه‌های دینی و تاریخی جزو جامعه آماری این پژوهش نیستند و البته منظومه‌های ملی بانوگشسب‌نامه و فرامرزنامه که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در این مقاله بررسی نشده‌اند. جعفری و صانع (۱۳۹۴) مقاله «بررسی قهرمان و ضد قهرمان در حماسه‌های سام‌نامه، برزنامه و بانوگشسب‌نامه» را در دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، ارائه داده‌اند که در آن، قهرمان‌ها و ضد قهرمان‌های این منظومه‌ها معرفی و نوع و کنش آن‌ها توضیح داده شده است. مقاله استخراجی از رساله خانم صانع به همین نام است که در همان سال در دانشگاه پیام نور فارس دفاع کرده‌اند. مهرداد (۱۳۹۹) در مقاله «بازنمایی بدن و تحلیل کنش‌های بدنی ضد قهرمان در منظومه کوش‌نامه» به تحلیل کنش‌های بدنی ضد قهرمان در منظومه حماسی کوش‌نامه پرداخته است. بیگ زاده و گراوندی (۱۳۹۴) در مقاله «قهرمان و ضد قهرمان در حماسه رستم‌نامه الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی» قهرمان و ضد قهرمان را بررسی کرده‌اند.

غیر از این موارد، پژوهش مستقل یافت نشد و در مورد حماسه‌های دینی و تاریخی، این موضوع پژوهش نشده و مهم‌تر این‌که در هیچ تحقیقی تفاوت‌ها و تحولات ضد قهرمان با مقایسه سه حماسه ملی، دینی و تاریخی بررسی نشده است و تحقیق حاضر از این منظر نوآوری دارد و دستاوردی تازه در بررسی حماسه‌سرایی ادبیات ایران است.

مبانی نظری و جامعه آماری تحقیق: بحث قهرمان و ضد قهرمان به عناصر داستان مربوط

می‌شود که در حوزه شخصیت‌پردازی قابل بررسی است. در معنی لغوی، قهرمان به معنی پهلوان است (معین، ۱۳۹۱، ذیل واژه قهرمان). ضد قهرمان در نقطه مقابل قهرمان قرار می‌گیرد و در واقع در تضاد با قهرمان است (ابرامز، ۱۳۸۵: ۱۲۸؛ کادن، ۱۳۸۰: ۵۶).

ضد قهرمان کسی است که با قهرمان دشمنی می‌کند، یا سر راه او قرار می‌گیرد و قهرمان در رسیدن به خواسته‌اش با او مقابله می‌کند یا این‌که با قهرمان هم‌عقیده نیست. در متون حماسی ملی، وجود ضد قهرمان قطعی است و به همان اندازه که قهرمان شخصیت محوری دارد، ضد قهرمان نیز از شخصیت‌های اصلی داستان است؛ زیرا تقابل بنیادین خیر و شر آهورایی

و اهریمنی که از اسطوره به حماسه رسیده است، تقابل شخصیت‌ها را ايجاب می‌کند. در حماسهٔ دینی و تاریخی گاه تأکید بر قهرمان بیش‌تر از ضد قهرمان است و تقابل از ملی‌گرایی به تقابل مسلّم و مشترک رسیده است. ما برای بررسی این دیدگاه شش منظومه را تحلیل نموده‌ایم.

از حماسه‌های ملی، داستان *بانوگشسب‌نامه* و *فرامرزنانه* انتخاب شده است، بانوگشسب و فرامرز، فرزندان رستم هستند و منظومه‌ها روایت زندگی آن‌ها است. موضوع بانوگشسب، داستان جوانی بانو تا ازدواج با گیو است و موضوع *فرامرزنانه*، داستان زندگی فرامرز و سفر او به هند تا مرگ به دست بهمن است.

شاعر هر دو منظومه نیز ناشناس مانده است. مصحح کتاب *بانوگشسب* بر این باور است که احتمالاً این منظومه بعد از سال ۵۲۰ هجری قمری نوشته شده است (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۴). اما آیدنلو آن را بخشی از منظومهٔ *فرامرزنانه* معرفی کرده است که بعدها به صورت منظومه-ای مستقل از آن جدا شده است و در واقع، نقصان نسخه‌های *فرامرزنانه* نیز این موضوع را تأیید می‌کند (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۸). در مورد سرایندهٔ *فرامرزنانه* نیز دوگونه نظر وجود دارد، از این کتاب دو تصحیح مهرآبادی و سرمدی موجود است، مهرآبادی در تصحیح آن گفته است که شخصی به نام خسرو کیکاووس از ایرانیان شاعر و زرتشتی مقیم هند، مطالب جمع‌آوری شده توسط شخصی به نام رستم، پسر بهرام پسر سروش تفتی را در حدود سال ۱۲۷۹ به نظم در آورده است. این منظومه در سال ۱۳۲۴ هجری قمری، در حدود سلطنت مظفرالدین شاه قاجار در شهر بمبئی هند به چاپ رسیده است (خسروکی‌کوس، ۱۳۸۲: ۱۲). سرمدی گفته است: از گویندهٔ *فرامرزنانه* اطلاع چندانی در دست نیست؛ اما مشخص است این مثنوی در نیمهٔ قرن پنجم و حداکثر تا اواخر این قرن سروده شده است (فرامرزنانه، ۱۳۸۲: ۸). صفا سرایش منظومه را قبل از سال ۵۲۰ هجری قمری بیان کرده است (صفا، ۱۳۳۳: ۲۹۵). اما در تحقیقی که دربارهٔ مؤلف آن انجام شده، آمده است: «سرایندهٔ *فرامرزنانه* باید رفیع‌الدین مرزبان فارسی، شاعر قرن ششم باشد و این منظومه را در حدود سال ۵۵۵ سروده است» (نحوی، ۱۳۸۱: ۱۳۵). در این پژوهش تصحیح مهرآبادی در دست بود و استفاده شد.

از حماسه‌های دینی، منظومهٔ «*علی‌نامه*» و «*خاوران‌نامه*» انتخاب شده که هر دو دربارهٔ زندگی حضرت علی (ع) است. *علی‌نامه* تألیف شاعری با تخلص ربیع است که آن را در قرن پنجم هجری سروده است. اطلاعات کاملی از سرایندهٔ آن در دست نیست، فقط به تصریح خود راوی در متن کتاب، متولد ۴۲۰ هجری است و منظومه را در ۶۲ سالگی اش سروده است (ربیع، ۱۳۸۹: ۵۰۱). *خاوران‌نامه* تألیف محمد بن حسام‌الدین الخوسفی معروف به ابن حسام است (۷۸۳-۸۷۵ ه. ق.). موضوع *علی‌نامه*، خلافت امام علی (ع) و جنگ جمل و صفین است. در *خاوران‌نامه*، ابن



حسام جنگ‌ها و دلاوری‌های امام علی(ع) و یارانش را در سفر به سرزمین خاوران، سرزمین قهرمان، ساحل زمین و قام توصیف کرده است.

در حماسه تاریخی، «تَمْرنامه»، «جنگ‌نامه کِشم» و «جرون‌نامه» انتخاب شده است. تَمْرنامه اثر هاتف خرجردی جامی (۸۲۲-۹۲۷ ه.ق) است که حوادث زندگی تیمور گورکانی را وصف کرده است. این حماسه مشهورترین منظومه تاریخی دوره مغول و تیموری است و هاتفی موفق‌ترین سرینده آن دوره در زمینه حماسه‌های تاریخی به شمار می‌رود (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۵۷۱). دو منظومه به هم پیوسته جنگ‌نامه کِشم و جرون‌نامه از شاعری به نام قدری است که در قرن یازدهم هجری می‌زیسته و موضوع آن‌ها به ترتیب در جنگ‌نامه کِشم، شرح و وصف جنگ‌های امام قلی‌خان بیگلر بیک فارس - سردار شجاع شاه عباس صفوی - با پرتغالی‌هاست که از سال ۱۰۳۰ به جزیره قشم که بخشی از بندرعبّاس است، حمله کردند. در این واقعه، در سال ۲۷ ربیع اول ۱۰۳۱ هجری قمری، جزیره از دست دولت پرتغال گرفته شده و به تسخیر ایرانیان در آمد، و جرون‌نامه یا هرمن‌نامه گزارشی مربوط به وقایع بعد از فتح قلعه قشم است (رزمجو، ۱۳۸۱: ۱۹۳/۱).

بحث و بررسی

۱- تحولات شخصیت ضدّ قهرمان

در اسطوره و حماسه، با توجه به ویژگی‌های خارق‌العادگی، هر چیزی قابلیت ضدّ قهرمان شدن دارد. در حماسه‌های ملی ضدّ قهرمان‌ها از نظر «نوع» به چهار دسته اصلی: انسانی، حیوانی، طبیعی و ماوراء طبیعی تقسیم شده‌اند و از نظر «کنش» و نقشی که در متن وقایع به عهده دارند، در یازده دسته اصلی، مشاور، سپهدار، جدال‌گر، اغواگر، یاری‌گر، متحد، راهنما، صوری، عاشق و ابزاری عمل کرده‌اند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹). در تحولاتی که در حماسه‌سرایی صورت گرفته، بنیاد اسطوره‌ای ضدّ قهرمان تغییر نیافته؛ اما در شخصیت‌پردازی آن تأثیر گذاشته است. این تحول در حماسه تاریخی آشکار است؛ اما در حماسه دینی وقتی که از تاریخ دور شده و تقلید مستقیم از شخصیت‌سازی حماسه ملی کرده‌اند، انواع ضدّ قهرمان یا ویژگی‌ها و صفات آن‌ها، اعمال و رفتارشان، به تأثیر از حماسه ملی است. تحولات ضدّ قهرمان با توجه به منظومه‌های انتخاب شده در موارد زیر دیده می‌شود:

ضدّ قهرمان انسانی: این ضدّ قهرمان، ضدّ قهرمان قطعی متون حماسی است. تنها در گذر زمان در حماسه‌های دینی و تاریخی، هویت و صفات شخصیت‌ها تغییر یافته است؛ این ضدّ قهرمان به دو دسته انسان‌های طبیعی و غیر طبیعی - که چهره انسانی آن‌ها تغییر یافته - قابل تقسیم است:

ضد قهرمان انسان‌های طبیعی: ضد قهرمان‌ها در منظومهٔ بانوگشسب، تورانیان و هندیان می‌باشند که هر دو گروه، ضد قهرمان جدال‌گر فرعی هستند که در جنگ با بانو شکست می‌خورند. در *فرامرزننامه*، شخصیت‌های هندی همچون کید شاه هند، ارونند شاه، طهمور، نوشدار و سپاهیان کیدشاه، مارک، پهلوانان سپاه مارک، شاه جزیرهٔ فراسنگ و دیگران در مقابل فرامرز و یاران و سپاه او مقابله می‌کنند که همگی شکست می‌خورند.

در *علی‌نامه* و *خاوران‌نامه*، قهرمان اصلی شخصیت امام علی (ع) است. امام علی (ع) بر پایهٔ بنیاد اسطوره، قدرت اهواریبی دارد و نقش پهلوانی حماسه‌های ملی را یافته است. در واقع «علی (ع) به عنوان ابرمرد و انسان کامل، جای رستم را گرفت. دُلْدَل جای رخس را؛ و تقابل خیر و شر در حماسه‌های ملی، جای خود را به مقابلهٔ مسلم و مشرک داد» (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۹۴). در *علی‌نامه* ضد قهرمان‌ها، شخصیت‌های تاریخی و واقعی ناکشین (اصحاب جمل) و قاسطین (اصحاب جنگ صفین) هستند؛ اما در *خاوران‌نامه*، شخصیت‌های تخیلی شاهان خاور، مثل قطار، جمشیدشاه، تهماس، صلصال، پهلوانان و سپاهیان ضد قهرمان شده‌اند.

در *تمرنامه*، قهرمان داستان، تیمور است و ضد قهرمانان، مردم ایران و والی‌های شهرهای مختلف ایران و عراق و شام، روم و هند هستند که تیمور به مقابله با آن‌ها می‌رود. در *جنگ‌نامه* کِشَم و جرون‌نامه، قهرمان منظومه «امام قلی خان بیگلربیک فارس» از سرداران شاه عباس است و ضد قهرمان‌ها، اشغال‌گران پرتغالی هستند.

انسان‌های غیر طبیعی: انسان‌های غیر عادی در حماسهٔ ملی و دینی وجود دارند و در حماسهٔ تاریخی کنار گذاشته شده‌اند. در حماسهٔ دینی نیز در داستان‌های تخیلی حضور دارند؛ چنان‌که در *خاوران‌نامه* که داستانی تخیلی است، آمده‌اند؛ اما در *علی‌نامه* نیستند. در *فرامرزننامه* مردم خاورزمین که دیو چهره هستند یا مردم جزیرهٔ فیل‌گوشان که به دست فرامرز کشته می‌شوند (کی‌کوس، ۱۳۸۲: ۲۹۲-۲۹۶) ضد قهرمان‌های غیر عادی هستند. همین ضد قهرمان‌ها در منظومهٔ *خاوران‌نامه* نیز در سپاه پیل‌گوشان (خوسفی، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۲۲) و انسان‌های آدم‌خوار (همان: ۱۸۵) دیده می‌شوند.

حذف ضد قهرمان حیوانی و عناصر طبیعت در حماسهٔ دینی و تاریخی: عناصر طبیعت

در حماسهٔ ملی، به عنوان ضد قهرمان ظاهر شده‌اند، به این صورت که در مسیر قهرمان برای پیروزی مانع ایجاد می‌کنند. در *فرامرزننامه*، خان چهارم و پنجم، گرما و سرما ضد قهرمان هستند. فرامرز با سپاهش سه روز در گرما راه رفت و بعد از سه روز در کنار جویی اطراق کرد؛ اما از ابر سیاه برف بارید و همه جا یخ بست، آن‌ها به درگاه خدا ناله می‌کنند و سه روز و سه شب در



برف راه می‌روند تا به دشت پر آب و گل می‌رسند و از خطر مرگ رهایی می‌یابند (کی کاوس، ۱۳۸۲: ۴۰۷ - ۴۰۸).

در ضد قهرمان حیوانی، حیوانات با قهرمان جنگ می‌کنند. در *بانوگشسب‌نامه*، شیر جادو با بانو می‌جنگد و کشته می‌شود. در *فرامرزنانه* گرگ، مار، اژدها، کرگدن و شیر، حیواناتی هستند که فرامرز و قهرمان یاری‌گران به نبرد آن‌ها می‌روند و همه را می‌کشند. این ضد قهرمان در حماسه دینی و تاریخی وجود ندارد، فقط در *خاوران‌نامه* که داستان تخیلی دارد، امام علی (ع) و قهرمان یاری‌گران با شیر، پیل، اژدها و گرگ مبارزه می‌کنند.

دگردیسی ضد قهرمان‌های اهریمنی و فراطبیعی در حماسه دینی و تاریخی:

موجودات فراطبیعی و اهریمنی، نیروی شرّ اسطوره است که اغلب به صورت ضد قهرمان دیو، اژدها و جادو ظاهر شده‌اند و در حماسه ملی دیده می‌شوند؛ البته همین موجودات در دگردیسی به شخصیت‌های انسانی ضد قهرمان نیز تبدیل شده‌اند؛ چنان‌که در تبدیل اسطوره به حماسه، دیوان و اژدهایان به تورانیان؛ و ایزدان و فرشتگان به شهروندان زمینی تبدیل شده‌اند (کارنوی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). اما هم‌چنان به صورت ضد قهرمان در حماسه حضور دارند. در *بانوگشسب*، بانو در جنگل شیر جادو را که در واقع شاه جنیان بود می‌کشد (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۵۷). در *فرامرزنانه*، فرامرز «کناس دیو» که دختران شاه هند را ربوده بود، می‌کشد (خسروکی کاوس، ۱۳۸۲: ۱۰۳). سیه‌دیو که دختر شاه کمبلی را دزدیده بود، می‌کشد (همان: ۲۷۷)، در کلان کوه با سپاه دیو و جادو مواجه می‌شود و آن‌ها را شکست می‌دهد (همان: ۳۶۳ - ۳۶۶). هم‌چنین با مرغ شگفت غول‌پیکر و با اژدها می‌جنگد (همان: ۳۱۰ - ۳۱۳).

این موجودات فراطبیعی در منظومه *خاوران‌نامه* که منظومه‌ای تخیلی است، دیده می‌شود و در منظومه‌های دیگر حذف گردیده است. هفت خانی که در *فرامرزنانه* می‌بینیم و شبیه هفت خان رستم است، در این منظومه نیز آمده است. امام علی (ع) در کوه بلور، با سپاه دیوان و اژدها و جادو می‌جنگد (خوسفی، ۱۳۸۲: ۱۹۰). یا حضرت علی (ع) و قهرمانان یاری‌گر به حصارهایی می‌رسند که طلسم و جادو و موجودات اهریمنی به مقابله ایشان می‌آیند. مالک در رفتن به حصار برنج در راه با طلسماتی چون دیو سیاه، اژدها، شیر و پیل مواجه می‌شود و مبارزه می‌کند و سرانجام با جادو، اسیر دست زال می‌گردد (همان: ۲۵۰). امام علی (ع) برای نجات مالک از طلسم جادو به دنبال او می‌رود و با افسون زال، چوبی تبدیل به اژدها می‌شود و حضرت با ذوالفقار آن را می‌کشد (همان: ۲۵۵).

در حماسه تاریخی، موجودات وهمی و فراطبیعی از ضد قهرمانی درآمدند؛ اما در دگردیسی شخصیت تاریخی به این نام‌ها نامیده می‌شود. باید گفت دیوان بعد از حماسه ملی هم‌چنان در

انواع حماسه وجود دارند و حضور آن‌ها به صورت خود دیو یا اشخاص دیوصفت آمده است. در واقع تکرار این موجودات در حماسه تاریخی در حافظه جمعی، شخصیت تاریخی، انگاره اساطیری قهرمان در اسطوره است و به گفته الیاده حافظه جمعی به شخصیت تاریخی دوران‌های جدید، معنی و اعتباری می‌بخشد که بایسته اوست؛ یعنی فرد تاریخی را به صورت قهرمانی حماسی در می‌آورد که نمونه‌های ازلی را تقلید، و افعال مثالی را تکرار می‌کند (الیاده، ۱۳۶۵: ۸۸-۹۰).

در *علی‌نامه*، *تمرنامه* و *جنگ‌نامه کشم* و *جرون‌نامه*، قهرمان‌ها با هیچ موجود وهمی مبارزه نمی‌کنند؛ اما در توصیف ضد قهرمان‌ها، صفات دیو و اژدها تکرار شده است. برای نمونه در *تمرنامه*، تیمور، قبیچاق را اژدها نامیده است:

عنان کرد بر باد صرصر رها به انداز آن سهمگین اژدها
(هاتفی خرجدی، ۱۳۹۸: ۱۹۲)

در جنگ با قیصر در وصف سپاه آن‌ها صفت «دیوساران» آورده است:

از آن دیوساران یسار سپاه یکی کوه آهن در ابر سپاه
(همان: ۲۹۲)

در *علی‌نامه*، امام علی (ع) به طلحه که با جانشینی امام مخالف است و گرایش به عایشه دارد می‌گوید: «دلت را بر دیو دشمن مکش» (ربیع، ۱۳۹۰: ۹).

در *جنگ‌نامه کشم* و *جرون‌نامه*، شاعر توپ دشمن را به اژدها مانند کرده است:

بود توپ چون اژدهای دمان که بر قلعه داران بود پاسبان
(قدری، ۱۳۸۴: ۱۴۷)

یا سپاه دشمن را افراسیاب نامیده است:

به مانند افراسیاب زمان به نقب اندرون شد گذارا گذران
(همان: ۱۳۳)

۲- کنش‌های ضد قهرمانان

در حماسه، مهم‌ترین محوریت ارتباط ضد قهرمان با قهرمان، جدال‌گری است. انواع ضد قهرمان مانند تمرتاش و خواستگاران بانو در *بانوگشسب‌نامه*؛ در *فرامرزن‌نامه* شاه کید، تورگ تورانی، تجانوی هندی، ده پهلوان، رای هند، مهارک، پهلوانان هندی، شاه جزیره فراسنگ؛ در *علی‌نامه*، اصحاب ناکشین و قاسطین؛ در *خاوران‌نامه*، شاهان سرزمین خاور، سرزمین قهرمان، ساحل زمین و قام که با سپاه اسلام می‌جنگند؛ در *تمرنامه* افرادی چون میرحسین والی بلخ، اصفهانیان، قبیچاقیان که با دلی پر از کینه، ایکوتمر را می‌کشند و تیمور همه را می‌کشد، شاه منصور و غیره. در *جنگ‌نامه کشم* و *جرون‌نامه*، سپاه پرتغالی‌ها، همگی در جای‌گاه ضد قهرمان



جدال‌گر قرار دارند. این ضدّ قهرمان به جنگ رودررو با قهرمان آمده‌اند. موجودات اهریمنی و فراطبیعی و حیوانات نیز در این گروه قرار دارند. ضدّ قهرمان‌های یاری‌گر نیز در جدال با قهرمان، یاری‌گران ضدّ قهرمان اصلی هستند که اغلب سپاهیان و پهلوانان لشکر می‌باشند و کنش ضدّ قهرمان اصلی را انجام می‌دهند.

کنش مشاور و صلح‌طلب، کنش دیگر ضدّ قهرمان‌ها است که اغلب از سوی ضدّ قهرمان‌های یاری‌گر انجام می‌شود و ضدّ قهرمان اصلی کم‌تر این کنش را دارد. این ضدّ قهرمان در حماسه ملی، پیران ویسه، وزیر افراسیاب است که ویژگی خردمندی و دانایی دارد و سعی دارد جدال را با دیپلماسی حل کند. در *بانوگشسب‌نامه*، وقتی می‌بیند بانو و فرامرز به سرزمین توران آمدند، از در صلح می‌آید و به مهمانی آن‌ها می‌رود. به عقیده او صلح بهتر از جنگ است که «مگر بیخ کین از جهان برکنیم» (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۹۰). در آن مهمانی، شیده پسر افراسیاب عاشق بانو می‌شود و پیران با آگاهی از عشق شیده، متوجه عواقب ناگوار آن می‌گردد و او را به نزد افراسیاب می‌برد. افراسیاب، تمرتاش را برای جنگ با رستم و آوردن بانوگشسب می‌فرستد؛ بانو تمرتاش را می‌کشد و افراسیاب خودش قصد جنگ می‌کند؛ اما پیران او را منصرف می‌سازد. در *فرامرزن‌نامه*، وزیر شاه کید برای صلح نزد فرامرز می‌آید و تقاضای بخشش می‌کند. او که قدرت فرامرز را شناخته، به کیدشاه توصیه می‌کند «مکن جنگ و پیرامن بد مگرد» (خسروکی‌کاوس، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

در *علی‌نامه*، کنش صلح‌طلبی وجود ندارد و دشمنان زمانی که شکست می‌خورند کنش حيله‌گری می‌گیرند و صلح آن‌ها از روی حيله است، چنان‌که در جنگ صفین، معاویه به یاری عمرو عاص حيله به کار بردند. در *خاوران‌نامه* وزیر شاهان و گاه همسرانشان، در نقش ضدّ قهرمان یاری‌گر ظاهر شده‌اند که قهرمان اصلی را از جنگ با امام علی (ع) منع کرده‌اند. در *تمرنامه*، کنش‌های ضدّ قهرمان‌ها کم‌تر است و تنها کنش جدال‌گری دیده می‌شود که قهرمان با شکست سریع آن‌ها به مقصود می‌رسد. در *جنگ‌نامه کشم* و *جرون‌نامه*، فرمانده پرتغالی‌ها وقتی شکست را احساس می‌کند، با کنش صلح‌طلبی با قهرمان ارتباط می‌گیرد که قهرمان نمی‌پذیرد.

کنش دیگر، کنش جادوگری است که فقط در حماسه ملی و *خاوران‌نامه* که تأثیری مستقیم از حماسه ملی دارد، دیده می‌شود و در حماسه تاریخی کنار رفته است. در *بانوگشسب‌نامه*، *فرامرزن‌نامه* و *خاوران‌نامه*، طلسمات و جادو از ویژگی‌های خارق‌العادگی ضدّ قهرمانان است که برای نیل به مقصود سر راه قهرمان می‌گذارند.

۳- ویژگی‌های ضد قهرمانان

در ویژگی‌های ضد قهرمان‌ها از نظر چهرهٔ ظاهری، رفتار، اخلاق، نژاد و هویتشان در حماسه‌ها اشتراک وجود دارد و اختلاف آن کم‌تر است. در حماسه‌های ملی ضد قهرمان‌ها چهرهٔ منفور دارند و نژاد آن‌ها اهریمنی و اندیشه و کردارشان بد است. در حماسهٔ دینی با تغییر اهورایی و اهریمنی به کافر و مسلمان تبدیل شدند و در حماسهٔ تاریخی با تأثیر از حماسهٔ ملی یا دینی خطاب‌ها آمده است. در این حماسه‌ها دو ویژگی زیر برای ضد قهرمان‌ها تکرار شده است:

بدنژاد و بداندیش و اهریمنی بودن: در این ویژگی، خطاب‌هایی که قهرمان‌ها نسبت به ضد قهرمان‌ها دارند، صفات بدنژاد و بداندیش، اژدها و دیو تکرار شده است. در *بانوگشسب‌نامه*، بانو در مقابل پدرش، رستم که ضد قهرمان صوری است، صفت «بدنژاد» (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۶۸)، «دیو سفید» و «دیو دون» (همان: ۷۱) را به کار برده است. در معرفی رستم به زال می‌گوید: «تو گویی که اژدها بد به جنگ» (همان: ۷۸). یا تمرتاش که ضد قهرمان تورانی است، خود را از نژاد اژدها معرفی می‌کند: «به زور و هنر اژدها پشت من» (همان: ۱۰۱). در *فرامرزن‌نامه*، فرامرز در مبارزه با شاه هندی به او می‌گوید: «هندی بدنژاد» (خسروکی‌کاوس، ۱۳۸۲: ۱۳۸). در خطاب به طورگ، صفت «بداندیش» را به کار می‌برد (همان: ۱۹۰). حتی افراسیاب در نکوهش طورگ می‌گوید: «ناکس بدرگ بد نژاد» (همان: ۱۹۲)، «بد بد نژاد» (همان: ۱۹۳). فرامرز به ضد قهرمان «تجانوی هندی» می‌گوید: «بدکنش دیو تیره روان» (همان: ۲۱۲). در مورد مهارک از زبان رای هند خطاب «بد رگ بد تن بدنژاد» (همان: ۲۳۶) «مهارک بدنژاد» (همان: ۲۵۷) را می‌گوید. در مقابل، قهرمان‌ها بر نژاد پاک و نسب پهلوانی خود تأکید می‌کنند. در *بانوگشسب‌نامه* و *فرامرزن‌نامه*، نژاد رستم داشتن آن‌ها مکرر آمده است: «من آن رستم زال را دخترم» (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۶۹). «فرامرز پور تهمتن منم» (همان: ۸۳). در *فرامرزن‌نامه*، فرامرز در نامه‌ای که به ضد قهرمان - کید شاه هند - می‌نویسد، در معرفی خود می‌گوید:

ز نزد فرامرز گُرد دلیر نژاد وی از رستم زال شیر
 ز جنگی نریمان سام سوار پدر بر پدر پهلوی و نام‌دار
 (کی‌کاوس، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

در *علی‌نامه* اصطلاح ناکشین (پیمان‌شکنان) و قاسطین (ستم‌گران) برای دشمنان به کار رفته است، اما ویژگی‌های بدنژادی و دیو بودن نیز فراوانی دارد؛ مانند صفت‌های «عمرو دون» (همان: ۴)، «بدنژاد» (همان: ۴۵، ۶۳)، «بدسگالان» (همان: ۴۸)، «دیو دون» (همان: ۶۴)، «مروان دون» (همان: ۶۵)، «گبر دون» (همان: ۶۶)، «پور سفیان دون» (همان: ۶۸)، «پور سفیان دشمن نژاد» (همان: ۷۰)، «عاص دشمن نژاد» (همان: ۸۵)، «دیو لعین» (همان: ۹۹) و ... تکرار شده است. در



مقابل امام علی(ع) با صفت‌هایی مانند «شیر فرّخ نژاد» (همان: ۶۹)، «یل پاک‌زاد» (همان: ۸۳)، «حیدر پاک‌دین» (همان: ۸۴) توصیف کرده است.

در *خاوران‌نامه* نژاد عرب ستوده شده است. ابن حسام در وصف امام علی(ع) صفت تازی دلدل سوار آورده است (خوسفی، ۱۳۸۲: ۲۹۱). و از زبان حضرت در معرفی خودش، صفات حیدر و شیر خدا گفته است: «منم میر سیّاف شمشیر زن» (همان: ۹۲)، «منم حیدر و شیر پروردگار» (همان: ۱۶۸) و فرّ شاهی نیز دارد: «همه فرّ و فرهنگ و فرازنگی» (همان: ۱۲۳). در مقابل ضدّ قهرمان‌ها، دیوزاده، بدنژاد و بد اندیش هستند: «دیوزاده سوار» (همان: ۲۹۲). «زبان برگشاد کای بدنژاد» (همان: ۷۳). «بداندیش پاسخ نیورد باز» (همان: ۱۰۸). «سپاه بداندیش را کرد پست». (همان: ۱۶۲)، «بداندیش را روز وارون کنید» (همان: ۱۶۳). «بداندیش را دل پر از بیم شد» (همان: ۲۹۳). یا صفت‌هایی که مضمون دینی دارد، مانند «ستم‌کاره قطّار» (همان: ۸۴). «ستم‌کاره تهماس» (همان: ۲۰۷).

در *تمرنامه* نیز صفت بداندیشی و اهریمنی برای ضدّ قهرمان تکرار شده است. در وصف تغلق تمرخان، ترکیب «سهمگین اژدهای دمان» به کار برده شده است (هاتفی خرجردی، ۱۳۹۸: ۶۳). میرحسین والی بلخ صفت «تیزدندان» (همان: ۶۷) و صفت «بداندیش» (همان: ۶۹ / ۷۰) دارد. والی خوارزم هم «بداندیش» است (همان: ۸۳). در وصف گردن‌کشان تبریز «گریزان بداندیش ز آوازه‌اش» (همان: ۱۲۵) آورده است. هم‌چنین دیگر ضدّ قهرمان‌ها: «بداندیش را دید پنهان در آن» (همان: ۷۰). «بداندیش غافل در آن روی آب» (همان: ۱۷۴) «بداندیش را لشکر غم رسید» (همان: ۲۴۵). «که کرده بداندیش در کینه کند» (همان: ۲۵۱). والی مازندان در مقابل تیمور لشکرآرایی می‌کند، او و سپاهیانش، صفت دیو دارند «به جنبید از آن جا به خیل گران/ به تسخیر دیوان مازندران» (همان: ۱۲۲). از زبان تیمور در وصف هندیان کوهستان می‌گوید: «همه دیوساران ژولیده‌موی (همان: ۲۰۵). در جنگ آن‌ها را اژدها و دیو خطاب می‌کند «بکشتند چندان از آن دیو و دد» (همان: ۲۰۹). و «ز دیوان رهزن بپرداخت راه» (همان: ۲۱۰).

در مقابل، تیمور صفت «رویینه‌تنی» دارد (همان: ۶۲). و چون پهلوانان حماسی، تنومند است (همان: ۶۱). حتی صفات پهلوان ایرانی را دارد، هاتفی او را «صاحبقران فریدون‌اساس» (همان: ۱۴۴) و لشکریانش را رستم و بالاتر از رستم خطاب کرده است (همان: ۱۴۵). در وصف نژادش نیز او را «قراخان نژاد» (همان: ۱۴۶)، «نژادان ترک» (همان: ۱۵۸)، «جغتازاد» (همان: ۱۶۲ و ۱۹۰) نامیده که در مقابل او ضدّ قهرمان «بی خرد بی‌نژاد» (همان: ۲۴۲) است.

در *جنگ‌نامه* کشم و *جرون‌نامه*، توصیف‌ها با نگرش دینی آمده است و اطلاق صفت کافر و گبر بر ضدّ قهرمان‌ها، فراوانی دارند؛ اما در اطلاق ویژگی‌ها، بدذاتی و شوم بودن تکرار شده است.

اصطلاح‌های «گیران شوم» (قدری، ۱۳۸۲: ۴)، «کافر بدنهاد» (همان: ۵)، «فرنگان شوم سگ بدسگال» (همان: ۷)، «مرتد نابکار لعین» (همان: ۱۳۱)، «کافران لعین» (۱۳۲) پر تکرار است: ز بدذاتی آن سگان لعین که ناپاک بودند و ناپاک دین (همان: ۱۰۰)

تنومندی و بزرگی: ضد قهرمان‌ها به ویژه ضد قهرمان‌های فراطبیعی و موجودات اهریمنی در حماسه ملی و دینی، عظیم‌پیکر، قوی و نیرومند هستند و قهرمان با کنار گذاشتن آن‌ها، قدرت پهلوانی و قهرمانی‌اش را نشان می‌دهد. در *فرامرزنانه* در وصف مار جوشا گفته است: «چهل زرع بود از دمش تا به سر/ دهانش به مانده قارتار/ شود زهر بی‌هوش از آن زهرمار/ دو چشمش مهی تر ز گیتی گهر» (خسروکی کاوس، ۱۳۸۲: ۱۱۹). در وصف سپاه کرگدن‌ها گفته است: «یکایک همه ژنده پیلان به تن» (همان: ۱۲۳). و در وصف «تجانو»، پهلوان هندی: «یکی پهلوان بد تجانو به نام/ چو دیو بد آن سهمگین دیو زشت/ به بالا ز سی رش بدی او فزون/ چو پیلانش دندان، دو دیده چو خون» (همان: ۲۰۹). و در وصف مرغ گفته است: «درازی و پهناش باشد دو میل/ گریزان ز چنگال او شیر و پیل» (همان: ۳۱۰).

ضد قهرمانان انسانی نیز تنومند و پهلوان هستند. در *بانوگشسب* در معرفی تمرتاش آمده است: «که بودی دلیر و بسی زورمند/ به توران نبد مرد همتای او/ چهل تن نبرداستی پای او/ دلیر و جهان‌گیر و با رای و کام» (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۹۷). در *منظومه فرامرزنانه*، طورگ (از خویشاوندان افراسیاب) را چنین وصف می‌کند: «یکی پهلوان بود نامش طورگ/ دلیر و سرافراز و گرد سترگ» (کی کاوس، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

تنومندی ضد قهرمان‌ها در *علی‌نامه* و *خاوران‌نامه* هم تکرار شده است، ولی اغراق‌هایی که در حماسه ملی وجود دارد، در این منظومه‌ها کم‌تر است. در *خاوران‌نامه* موجودات فراطبیعی، پهلوان‌های سپاه ضد قهرمان تنومند هستند؛ در وصف پهلوان زنگی گفته است:

یکی تند زنگی در آمد چو قار چو کوهی که بر کوه گردد سوار
(خوسفی، ۱۳۸۲: ۸۰)

در وصف قطار «گرانمایه قطار جنگ‌آزمای» (همان: ۸۶). در قدرت صلصال می‌گوید: «چو من چرخ چاچی بگیرم به چنگ» (همان: ۲۸۳). اما در حماسه تاریخی ضد قهرمان‌ها کم‌تر صفت تنومندی دارند. در *تمرنامه*، توصیف تنومندی از آن‌ها نیست. در *جنگ‌نامه کشم* و *جرون‌نامه*، تأکید بر آن نشده است؛ اما صفت رستم بودن و شیر بودن دیده می‌شود، برای نمونه در بیت زیر در وصف فرنگان گفته است:



فرنگان ز قلعه دلیر آمدند بماننده نره شیر آمدند
(قدری، ۱۳۸۴: ۱۱)

۴- اهداف جدال قهرمان با ضد قهرمان

جدال با ضد قهرمان‌ها در متون حماسی در سه حالت است:

- ۱- ضد قهرمان به مقابله با قهرمان می‌آید و مبارزه می‌کند.
- ۲- قهرمان به مقابله ضد قهرمان می‌رود.
- ۳- ضد قهرمان با قهرمان کاری ندارد؛ بلکه قهرمان در مسیر حرکت سفر با او مواجه می‌شود و مقابله می‌کند.

جدال این شخصیت‌ها در حماسه ملی نیز بر بنیاد اسطوره، تقابل خیر و شر است. در اساطیر هر قومی همواره یک اسطوره شاخص وجود دارد که بر همه روایات اساطیری اش می‌تابد و شناخت این اسطوره مادر، روشن‌گر رسالت و محتملاً سرنوشت فرهنگی آن قوم است (ستاری، ۱۳۸۸: ۲۴). و «اسطوره پیکار بی‌امان میان نیکی و بدی، روشنایی و تاریکی که سرانجام به پیروزی اهورا بر اهریمن و فرشکرد (نوسازی نهایی جهان در آخر زمان) می‌انجامد، جان کلام در فرهنگ اساطیری ماست» (ستاری، ۱۳۸۸: ۵۱). در هر نوع حماسی، همین اسطوره مادر تکرار شده است؛ اما بازتعریف جدال قهرمان و ضد قهرمان و تقابل خیر و شر بعد از حماسه ملی، دچار تحولات جامعه‌شناختی شده است.

در *بانوگشسب‌نامه* و *فرامرزنانه* که نمونه حماسه ملی هستند، رفتار ضد قهرمان‌ها با انگیزه شر همراه است. در *بانوگشسب‌نامه*، تمرناش، لاف جنگاوری می‌زند و از جنبه زنانگی بانو را به ناتوانی در برابر مردان تحقیر می‌کند. بانو در مقابل این یاوه‌گویی:

برآشفت ازین گفته بانوگشسپ ز جا جست مانند آذرگشسپ
ز بيمش نھان شد به زیر سپر روان تیغ تیز از سپر شد بدر
برون کرد از ترگ خود سرش ببرد سر تا به سر پیکرش

(بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

در *فرامرزنانه*، فردی از طرف نوشاد (شاه هند) که باجگزار ایران است، از راه می‌رسد و از کیکاووس برای دفع دشمنان یاری می‌خواهد. فرامرز دواطلبانه برای کمک به او به هند می‌رود و با ضد قهرمان‌های شرور مبارزه می‌کند و پیروز می‌شود.

در منظومه *علی‌نامه* و *جنگ‌نامه کشم*، ضد قهرمان‌ها حمله می‌کنند و قهرمان‌ها به مقابله می‌روند؛ اما در حماسه *خاوران‌نامه* و *تمرنامه*، قهرمان‌ها خودشان اقدام به سفر می‌کنند و با ضد قهرمان‌ها روبه‌رو می‌شوند. در *خاوران‌نامه* میان سرکردگان سپاه اسلام بر سر این که کدام یک جنگاور هستند، مجادله می‌شود. دو نفر از آن‌ها - سعد وقاص و ابوالمحنن - به خاور زمین سفر

می‌کنند و با ضدّ قهرمان‌ها روبه‌رو می‌شوند و گرفتار می‌گردند. پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع) را به دنبال آن‌ها می‌فرستد و بدین وسیله حضرت در سفر به سرزمین خاور با ضدّ قهرمان‌ها مبارزه می‌کند.

در *تمرنامه*، کاملاً بنیاد خیر و شر با انگیزه‌های شخصی در جدال به هم ریخته است، تیمور همچون پهلوانان حماسی توصیف شده؛ در حالی که در واقعیت تاریخی یک فرد خون‌ریز است که با کشورگشایی به قتل و غارت مردمان بی‌گناه پرداخته است. در این جدال‌ها بر اهداف ذیل با تفاوت‌های ماهیتی تأکید شده است:

کینه‌جویی: در حماسه *بانوگشسب*، وقتی رستم در قالب ضدّ قهرمان صوری از طرف تورانیان به مبارزه با فرزندان می‌رود، عامل کینه در دشمنی آن‌ها تکرار می‌شود. «ز کینه دهانشان پر از گرد شد» (بانوگشسب نامه، ۱۳۸۲: ۷۴). «ببودند از کینه همچون پلنگ» (همان: ۷۵). «بکوشیم با دشمن کینه‌خواه» (همان: ۷۸). «پر از کینه نزدیک بانو رسید» (همان: ۷۳). «همان بانو از کین گرفتش کمر» (همان: ۸۰). «فرا رفت پیش زواره به کین» (همان: ۸۱). «که گر کینه ورزند ما آن کنیم» (همان: ۸۹). «تو گفתי به کین رزم‌ساز آمدند» (همان: ۸۹). در *فرامرنامه* نیز تمام مبارزات فرامرز با دیو و اژدها و شاهان هند، به دلیل کین است که در هر بار، مبارزه از جانب طرفین تکرار می‌شود؛ به ویژه در مبارزه با ضدّ قهرمان انسان، عقیده این است:

کسی کو سر کینه خاردهمی زمانه بدو تیغ باردهمی
(کی‌کاوس، ۱۳۸۲: ۱۶۱)

فرامرز وقتی به کشتن کتّاس دیو می‌رود، می‌گوید: «که خود گرز کین بر فرازم به کین» (فرامرز ۱۰۳). یا در جنگ با اژدها «ز کینه بجوشید و پیشش دوید» (همان: ۱۰۵). در *علی‌نامه* دو لشکر با هدف کینه‌ورزی، مقابل هم قرار گرفته‌اند، ابتدا دشمنان جانشینی امام علی (ع) را از کینه قبول نکردند:

ولیکن نکردند از کین طلب رضای وصیّ پیمبر، عرب
ز شورا نگویم سخن بیش از این چو دارد کمین‌گه خداوند کین
(ربیع، ۱۳۹۰: ۲)

در میدان جنگ نیز دلیل کینه تکرار شده است:

ز کین طبل جنگی فرو کوفتند به تیغ آتش کین برافروختند
(همان: ۳۹)

در *خاوران‌نامه*، شاه خاوران می‌گوید: «مگر کینه خویشت بازآورم» (همان: ۱۱۰). زال می‌گوید: «بخواهم ز حیدر بسی کینه‌ها» (همان: ۲۵۱). پهلوان جمشیدشاه خطاب به مالک می‌گوید: «تو



را من کنون کینه‌خواه آدمم» (همان: ۱۴۳). امام علی (ع) به سپاه کفّار می‌گوید: «بدین کینه اکنون میان بسته‌ام» (همان: ۱۰۰). هر دو گروه با کینه با هم می‌جنگند: «یکی رزم کردند با کین دل» (همان: ۱۵۸).

در حماسهٔ *تمرنامه* نیز تیمور «وارث تخت توران زمین» (هاتفی خرجردی، ۱۳۹۸: ۱۳۵) است که با کینه مقابل ضدّ قهرمانانش به جنگ می‌رود:

بِه سَوی سَمِرَقَنْد آورد روی سپاهی به او پر دل و کینه‌جوی
(همان: ۶۳)

البته رسالت کینه‌ورزی او متناقض با رسالت تقابل خیر و شرّ قهرمان و ضدّ قهرمان در اسطوره و حماسه‌های ملی است. وی بعد از تولّد پسرش آرزوی فتح کشور ایران می‌کند:

بِه آهنگ ایران عنان‌تاب شد مَه فتحش از نو جهان‌تاب شد
(هاتفی خرجردی، ۱۳۹۸: ۱۰۲)

از تورانیان می‌خواهد که برای کشورستانی لشکر آماده کنند و می‌گوید:

قناعت ندارم به توران و بس بُود ملک روی زمینم هوس
(همان: ۱۰۳)

بعد از ایران هم تمایل پیدا می‌کند هندوستان را بگیرد و بعد روم و ملک عرب و چین که در راه چین از دنیا می‌رود. او خود را چنان بالا می‌بیند که می‌گوید:

اگر بشنود صیتم افراسیاب بر آرد سر از خاک توران ز خواب
چو بر رستم آرم به ایران کمین ز ترسم نهان تر شود در زمین
(همان: ۲۶۹)

در محاربه با میرحسین - والی بلخ - می‌گوید والی آتش کین انگیخته است: «برانگیخت آن آتش کین، شرار/ که سوزد تن خصم در کارزار» (همان: ۶۸). عاقبت والی را می‌کشند: «بکشند و رستند از کینه‌اش» (همان: ۷۰). وقتی اصفهانیان ترکان جنگاورش را کشتند با «رخ از آتش کینه افروخته» (همان: ۱۲۸) به جنگ می‌رود و آن‌ها را قتل عام می‌کند و هاتفی می‌گوید: «به شمشیر کین کشته شد فتنه‌گر» (همان: ۱۳۰).

در *جنگ‌نامهٔ کشم و جرون‌نامه*، عامل کینه، در حملهٔ هر دو طرف تکرار شده است، در وصف پرتغالی‌ها گفته است:

سر آن سپه بُد کپیتان‌تمر دلی داشت از کینه و خشم پر
(قدری، ۱۳۸۴: ۵)

در وصف نوآب در مقابل دشمن گفته است:

چو او درگه جنگ کین آورد
سر چرخ را بر زمین آورد
(همان: ۱۳)

مقابله با اهداف توحیدی و دینی: خواسته دیگر قهرمان در جدال با ضد قهرمان طبق منظومه‌های بررسی شده، دعوت قهرمان به دین یک‌تاپرستی و اسلامی است که ضد قهرمان در صورت پذیرش آن، بخشیده می‌شود. نمونه آن در حماسه ملی، در *فرامرزننامه* آمده است. فرامرز شاهان هند را به دین یک‌تاپرستی دعوت می‌کند. او بعد از تسلیم کیدشاه، وی را به دین یزدان دعوت می‌کند؛ اما کید در ابتدا نمی‌پذیرد و فرامرز چندین بار با برهمن مناظره می‌کند، تا این که برهمن دین را می‌پذیرد (کی کاوس، ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲) و کیدشاه نیز مجاب می‌شود و یک‌تاپرست می‌گردد:

در آمد به دین خداوند هور
که یکسان برادر بود پیل و مور
ز روی جهان جمله بت‌ها شکست
همه بت‌گران را یکایک بخت
(همان: ۱۷۲)

دعوت به دین اسلام حقیقی و مبارزه با اسلام جاهلی در *علی‌نامه*، هدف اصلی مبارزه قهرمان با ضد قهرمان است. در *خاوران‌نامه* نیز حضرت علی (ع) هر جا می‌رود، اهالی را دعوت به اسلام می‌کند و در جدال با ضد قهرمان سخن او این است که «چو مؤمن شدید از من ایمن شوید» (خوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۳)، «هر کاو مسلمان شود، همه کارش از من به سامان شود» (همان: ۲۴۲). فقط در *جنگ‌نامه کشم* و *جبرون‌نامه*، مبارزه با کافر و بیرون راندن از کشور هدف جدال قهرمان با ضد قهرمان است که سرانجام با شکست ضد قهرمان تمام می‌شود. در *تمرزننامه*، انگیزه اصلی تیمور، کشورگشایی است که کاملاً با حماسه ملی و دینی متناقض است؛ اما انگیزه گسترش دین در دیار غیر اسلامی نیز مورد نظر تیمور بوده، همان‌گونه که در انگیزه سفر به هندوستان و فتح آن‌ها، گسترش دین را بهانه می‌کند:

مجووسی و نصرانی و بت‌پرست
براندازم از بیخ و بن بی حساب
ز ره‌گشسته‌گان را در آرم تمام
نمانم دران بوم هر جا که هست
پرسوتندگان آتش و آفتاب
به دین محمد علیه السلام
(هاتفی خرجردی، ۱۳۹۸: ۲۰۱-۲۰۲)

۵- سرانجام ضد قهرمان ها

سرنوشت ضد قهرمان‌ها در حماسه مشخص است که از دو گونه خارج نیست: **شکست، مرگ و کشته شدن:** ضد قهرمان‌های فراطبیعی، حیوانات، موجودات اهریمنی و جادوگران عاقبت کشته می‌شوند و از ضد قهرمان‌های انسانی، جدال‌گران که تسلیم نمی‌شوند



و خواسته قهرمان را قبول نمی‌کنند، کشته می‌شوند؛ مثل تمرناش در *بانوگشسب‌نامه*، طهورگ در *فرامرزن‌نامه*، قطار در *خاوران‌نامه*، شاه منصور در *تمرنامه* که همگی کشته می‌شوند.

بخشش و صلح کردن: از انواع ضد قهرمان، فقط ضد قهرمان‌های انسانی هستند که گه‌گاه بخشیده می‌شوند؛ اما در ازای بخشش باج می‌دهند و زیردست می‌شوند. در *فرامرزن‌نامه*، فرامرز بعد از شکست طهورگ تورانی راهی هند می‌شود و از شاه آن‌جا تقاضا می‌کند که تحت امر کی خسرو شود و باج بدهد، او نمی‌پذیرد و جنگ می‌کند. بعد از جنگ‌های متوالی و کشته شدن چندین پهلوان و سخت‌تر شدن جنگ، رستم به یاری فرامرز می‌آید، رای هند را به بند می‌کشد و به ایران می‌آورد، در آن‌جا فرامرز دل‌جویی می‌کند و کی خسرو رای را به فرامرز می‌بخشد و او باج‌گزار ایران می‌گردد. در *تمرنامه*، تیمور چند بار ضد قهرمان‌ها را عفو می‌کند. برای نمونه وقتی بر قیصر روم غلبه می‌کند، او را بخشید و زبردست شاه‌زادگان نشاند و ملک قیصر را به او داد:

نسازیدش از سرزنش منفعل که او هست از کرده خود خجل
شویدش همه مرهم جان ریش به اعزاز و اکرامش آرید پیش
(هاتفی خرجردی، ۱۳۹۸: ۳۰۰)

در *خاوران‌نامه* وقتی کفار مسلمان می‌شوند، از ضد قهرمانی بیرون می‌آیند و کینه کنار می‌رود. وقتی شاه زنگی مسلمان می‌شود، صفت «شاه پیروز بخت» برای او آورده است (خوسفی، ۱۳۸۲: ۸۱). ولی آن‌ها که ایمان نمی‌آورند، کشته می‌شوند؛ مانند قطار دیو منش که به دست سعد وقاص کشته شد (همان: ۸۷).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، تحولات حضور ضد قهرمان‌ها در مقایسه حماسه ملی با حماسه دینی و تاریخی مورد تحلیل قرار گرفت. سؤال اصلی تحقیق این بود که آیا ضد قهرمان حماسه دینی و تاریخی بر بنیاد حماسه ملی صورت گرفته است؟ نتایج پژوهش نشان داد: ضد قهرمان‌سازی در حماسه دینی و تاریخی بر بنیاد حماسه ملی صورت گرفته است؛ اما در انواع ضد قهرمان، کنش، صفات و اهداف جدال، تفاوت وجود دارد. در حماسه تاریخی، عناصر حیوانی، طبیعی، موجودات وهمی و فراطبیعی از عنصر ضد قهرمان درآمدند و به جای آن در دگردیسی، شخصیت تاریخی به نام و صفات این موجودات نامیده می‌شود؛ فقط در حماسه *خاوران‌نامه* که داستانی تخیلی با تأثیر از شاهنامه است، این موجودات وجود دارند، اما هرچه تأکید به هویت تاریخی می‌شود، ضد قهرمان‌ها نیز شخصیت تاریخی و ملموس یافته‌اند.

با توجه به انواع ضد قهرمان، تحولات آن را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

حماسهٔ ملی: هر چیزی قابلیت ضد قهرمان شدن دارد. حماسهٔ دینی: وقتی تأثیر مستقیم از حماسهٔ ملی دارد، هر چیزی قابلیت ضد قهرمان شدن را یافته است.

حماسهٔ تاریخی: ضد قهرمان‌ها انسان هستند و عناصر حیوانی و طبیعی و موجودات فراطبیعی از ضد قهرمانی بیرون آمده‌اند؛ اما ضد قهرمان‌های انسانی، صفات موجودات اهریمنی را هم چنان دارند.

کنش مشترک در انواع حماسه‌ها، جدال‌گری است. در کنار آن کنش، صلح‌طلبی، حيله‌گری و جادوگری آمده است که در ارتباط با هدف و پیش‌روی قهرمان انجام شده است. ضد قهرمان در مقابل شکست در برابر قهرمان از این کنش‌ها استفاده کرده است. در تحول ضد قهرمانی، کنش جادوگری در حماسهٔ ملی و حماسهٔ تخیلی خاوران‌نامه است و در روایت تاریخی جای خود را به کنش حيله‌گری داده است. در صفات ضد قهرمان‌ها نیز اشتراک در صفات بدنزادی و بداندیشی در حماسه‌ها دیده می‌شود که در مقابل، قهرمان‌ها از نژاد پاک و نسب پهلوانی هستند؛ اما بر صفت تنومندی ضد قهرمان‌ها در حماسهٔ ملی تأکید شده و در حماسهٔ دینی و تاریخی کم‌تر است. در *تمرنامه* ضد قهرمان قوی نیست؛ اما در *علی‌نامه* و *جنگ‌نامه* کشم و *جرون‌نامه*، قدرت آن‌ها توصیف شده است. در *خاوران‌نامه* نیز به تقلید از حماسهٔ ملی بر تنومندی آن‌ها تأکید شده است.

در اهداف جدال، کینه عامل اصلی کشاکش قهرمان و ضد قهرمان در هر سه نوع حماسه است که در حماسهٔ ملی با هدف دفاع از سرزمین و شکست دشمن؛ و در حماسهٔ دینی دفاع از دین و شخصیت‌های غیر دینی؛ و در حماسهٔ تاریخی گاه با هدف شخصی است که نمونهٔ آن *تمرنامه* است و گاه با انگیزهٔ ملی‌گرایی است که نمونهٔ آن *جنگ‌نامه* کشم است. هدف دیگر، دعوت قهرمان به دین یک‌تاپرستی است که ضد قهرمان در صورت پذیرش آن، بخشیده می‌شود. در سرنوشت ضد قهرمان‌ها، کسانی که دشمنی آشکار دارند، حیوانات، جادو، موجودات فراطبیعی و ضد قهرمان انسانی شرور عاقبت کشته می‌شود؛ اما ضد قهرمان‌هایی که تسلیم می‌شوند و به دین و خواستهٔ قهرمان روی می‌آورند، بخشیده شده یا فرار کرده‌اند.



فهرست منابع

- آبرامز، مایرهوراد. (۱۳۸۵). *نقد ادبی، اصطلاح و تعبیرها*. تهران: جنگل.
- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۴). «مهمین دخت، بانوگشسپ سوار»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، شماره ۹۳، صص ۴۵-۳۴.
- الیاده، میرچاد. (۱۳۶۵). *مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ (اسطوره بازگشت جاودانه)*، ترجمه بهمن سرکاراتی. تبریز: نیما.
- *بانوگشسب‌نامه*. (۱۳۸۲). مقدمه، تصحیح و توضیح. تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خوسفی، ابن حسام. (۱۳۸۲). *تازیان نامه پارسی (خلاصه خاوران‌نامه)*، تهران: مرکز نشر دانش‌گاهی.
- ربیع. (۱۳۹۰). *به گزین علی‌نامه*، گزینش، مقدمه، شرح لغات: سید علی موسوی گرمارودی، تهران: میراث مکتوب.
- ربیع. (۱۳۸۹). *علی‌نامه*، تصحیح رضا بیات، ابوالفضل غلامی، تهران: میراث مکتوب.
- رزم‌جو، حسین. (۱۳۸۱). *قلمرو ادبیات حماسی ایران*، ۲ جلدی، تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مشهد: سخن‌گستر.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۸). *جهان اسطوره‌شناسی، اسطوره‌های ایرانی*، تهران: مرکز.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۵۷). «بنیان اساطیری حماسه ملی ایران»، *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانش‌کده ادبیات دانش‌گاه تبریز)*، دوره ۳۰، شماره ۱۲۵: صص ۶۱-۱.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۸). *سایه‌های شکار شده*، تهران: قطره.
- شهبازی، اصغر. (۱۳۹۳). «حماسه‌سرایی دینی در ادب فارسی»، *آینه میراث*، شماره ۵۵، صص ۲۰۹-۱۸۳.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۳۳). *حماسه‌سرایی در ایران، از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری*، تهران: امیرکبیر.
- قدری. (۱۳۸۴). *جنگ‌نامه کشم و جرون‌نامه*، تصحیح و تحقیق محمد باقر وثوقی، عبدالرسول خیراندیش. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- کارنوی، آبرت جوزف. (۱۳۸۳). *اساطیر ایرانی*، ترجمه احمد طباطبایی، تهران: علمی و فرهنگی.

- کی کاوس، خسرو. (۱۳۸۲). *فرا مرزنامه*، به اهتمام رستم پسر بهرام تفتی، تصحیح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.
- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۷۰). *مسایل عصر ایلخانان*، تهران: آگاه.
- معین، محمد. (۱۳۹۱). *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر.
- هاتفی خرجردی. (۱۳۹۸). *تمرنامه باز نمود زندگی نامه امیر تیمور گورکانی*، بازنویسی، پیراست و ویراست از منصور شکرایی.
- یوسفی، هادی، محمود مدبری، محمد رضا صرفی، یحیی طالبیان. (۱۳۸۶). «ضد قهرمان در شاهنامه و منظومه‌های پهلوانی ایران»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، دوره ۱، شماره چهارم، صص ۳۹-۶۰.